

## مروری بر نتایج انتخابات مجلس هفتم

شصت درصد آنها نیز در شهرهای بزرگ (بالای ۲۵۰ هزار نفر) سکونت دارند.

بحث راجع به میزان شرکت و یا عدم شرکت صاحبان حق رأی در انتخابات، در شرایط حاکم بر ایران، طبیعتاً به این مسئله نیز ارتباط می‌یابد که انواع محظورات و اجبازهای رسمی و غیررسمی و پنهان یا آشکار برای کشاندن افشاری از مردم به پای صندوقهای رأی وجود دارد و، این مسئله، به ویژه، در مناطق روستایی و شهرهای کوچک عمل می‌کند. اگرچه انتخابات مجلس هفتم، نه اساساً آزاد و نه حتی در حد انتخابات پیشین رقابتی بود، اما مسئولان و ارگانهای حکومتی همچنان، با توسل به شگردهای گوناگون، کوشیدند که عده بیشتری را به شرکت در رأی گیری تهدید و یا ترغیب نمایند. در چنین شرایطی است که عدم حضور بیش از نیمی از انتخاب کنندگان در این انتخابات باید به عنوان شکست آشکاری برای رژیم حاکم، در کلیت آن، ارزیابی شود.

اما به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات کافی و نبود نظرسنجی‌های متعارف، بررسی و تفکیک عوامل و انگیزه‌های گروههای مختلف اجتماعی و سیاسی درباره عدم شرکت در انتخابات، در اینجا میسر نیست. ولی به طور کلی می‌توان اشاره کرد که، جدا از افراد و گروههای همواره غایب انتخابات، دو گروه عمده اجتماعی در این زمینه قابل تفکیک است: یکی اقشار و گروههایی که غالباً به واسطه سرخوردگی و ناامیدی از جریانات و رقابتهای حکومتی، و از جمله از اصلاح طلبان حکومتی، و از سر بی‌اعتنایی و یا انفعال، از شرکت در انتخابات خودداری کرده‌اند، و دیگری اقشار و گروههایی که نه فقط به دلیل قطع امید از حکومتیان بلکه آگاهانه و عامدانه، و از سر مخالفت با رژیم موجود، به پای صندوقهای رأی نرفته‌اند. هرگاه انتخابات اخیر با انتخابات مجلس ششم مقایسه شود که ضمن آن میزان عدم مشارکت از ۳۳ درصد در چهار سال پیش به بیش از ۵۰ درصد در حال حاضر افزایش یافته است، چنین به نظر می‌رسد که کفه گروه نخست در این میان سنگینی می‌کند، یعنی این که غیبت غالب این افراد ناشی از یأس و سرخوردگی آنها بوده است. لکن هرگاه رفتار انتخاباتی گروههای مورد بحث، در کنار و به همراه دیگر نموده‌های فعالیت و رفتار سیاسی و اجتماعی آنها (مثلاً در محافل و یا رسانه‌ها، در تظاهرات و اعتصابات، در برگزاری مراسم چهارشنبه سوری و عید نوروز و ...) سنجیده شود، معلوم می‌شود که امتناع اکثر آنها از شرکت در انتخابات نیز برای ابراز مخالفت و «نه» گفتن به رژیم حاکم بوده است.

### آرای باطله

ریختن آرای سفید یا باطله، در صندوقهای رأی، شکل دیگری از اعلام مخالفت و دهن کجی به برگزارکنندگان انتخابات است. در واقع، بخشی از افرادی که بنا به مسائل و حسابگریهای شخصی و یا ملاحظات محل کار و زندگی‌شان، ناگزیر به شرکت در انتخابات

تأیید قطعی این گونه اخبار و شایعات دشوار است ولی امکان سازش و توافق نهائی سردمداران و جناحهای عمده حکومتی در مورد این مسئله حساس را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت. جناحهای رقیب رژیم، همان طور که ارقام اعلام شده از طرف دو ارگان رسمی نیز نشان می‌دهد در این باره اختلاف نظر داشته و دارند. اصلاح طلبان حکومتی که بازنده اصلی این کشمکش و زورآزمایی درونی هستند، طبعاً، مایل بودند و پیش بینی هم می‌کردند که شرکت رأی دهندگان در این انتخابات افت بکند. لکن غالب عناصر و جریانات اصلی این جناح، و از جمله خاتمی و کروبی نیز، در عین حال، از سلب مشروعیت کامل و خالی شدن زیر پای رژیم‌شان، در انظار داخلی و بین‌المللی، سخت هراسانند. چنان که پس از آنهمه قلع و قمع و تاخت و تاز فضاقت بار شورای نگهبان مستظهر به حمایت رهبر نیز، نهایتاً، انتخابات مجلس هفتم را برگزار و همگان را به شرکت در آن دعوت کردند.

### شهرهای بزرگ

گواه دیگری بر ساختگی بودن رقم اعلام شده از طرف وزارت کشور، میزان بالای عدم شرکت دارندگان حق رأی در شهرهای بزرگ است. بر اساس آماري که بیانیه «جبهه مشارکت ایران اسلامی» (که در این انتخابات شرکت نداشت) از سطح مشارکت در برخی از شهرها، به عنوان نمونه، ارائه می‌کند، حدود ۷۱ درصد واجدین شرایط در سنجند، و ۶۸ درصد دارندگان حق رأی در شهرهای تبریز، اصفهان و شیراز، و ۶۴ درصد آنها در شهرهای ارومیه و کرمانشاه، از حضور در حوزه‌های رأی گیری امتناع کرده‌اند. طبق نوشته مصطفی تاجزاده در روزنامه شرق (که ضمن آن نگرانی خود را از «مسئله کرد» ابراز می‌دارد) بیش از ۸۲ درصد مردم استان کردستان انتخابات مجلس هفتم را تحریم کردند.

در حوزه انتخابیه تبریز (به همراه آذرشهر و اسکو) که دارای ۶ نماینده در مجلس و جمعیتی نزدیک به ۲ میلیون نفر است، در این رأی گیری، به گزارش «ستاد انتخابات»، تنها حدود ۳۸۷ هزار نفر شرکت جسته‌اند. در اصفهان، با جمعیتی بالغ بر ۱/۹ میلیون نفر و دارندگان حق رأی حدود ۱/۳ میلیون نفر، آمار رسمی آرای اخذ شده فقط ۴۱۴ هزار نفر بوده است. قابل توجه است که در این حوزه، تعداد رأی دهندگان در انتخابات مجلس پنجم و مجلس ششم، به ترتیب، ۵۶۴ هزار و ۵۱۴ هزار نفر اعلام شده بود. در انتخابات پیشین، که به پیروزی اصلاح طلبان حکومتی انجامید. تعداد آرای نماینده اول اصفهان ۲۵۷ هزار بوده ولی در انتخابات اخیر آرای اول به ۱۵۶ هزار نیز نمی‌رسد. میزان بسیار پائین آرای نفرت «منتخب»، یکی از ویژگیهای بارز انتخابات اول اسفند در غالب شهرهای بزرگ است. هرچند که به طور سنتی و به دلایل گوناگون، معمولاً، میزان مشارکت در شهرهای کوچک و مناطق روستایی بالاتر از شهرهای بزرگ است ولی باید یادآور شد که در حال حاضر، نزدیک به هفتاد درصد جمعیت کل کشور شهرنشین بوده و حدود

با زمینه چینی و تدارک وسیعی که پیش از برگزاری انتخابات در اول اسفند، توسط شورای نگهبان (یعنی همه‌کاره این انتخابات) صورت گرفته بود، حاصل این رأی گیری از لحاظ برد و باخت رقیبان حکومتی و ترکیب مجلس آتی، تا حدود زیادی، معلوم و آشکار بود. آنچه که بیش از هر چیز، در این انتخابات، مورد توجه و سؤال بود، میزان شرکت یا عدم شرکت دارندگان حق رأی در آن بود. بنابراین، همه نگاهها، چه از جانب حکومت و جناحهای مختلف آن، و چه از طرف مردم یا اپوزیسیون و نیز ناظران خارجی، در وهله نخست، متوجه این میزان و یا این نتیجه انتخابات بود.

### میزان تحریم

بر پایه شواهد موجود، بیش از ۵۰ درصد واجدین شرایط از حضور در پای صندوقهای رأی در اول اسفند خودداری کردند. این نسبت در قیاس با همه انتخاباتهایی که جمهوری اسلامی طی ۲۵ سال گذشته برگزار کرده (به غیر از انتخابات «مجلس خبرگان» و احياناً انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در اسفند ۸۱ که رقم رسمی مشارکت در آن ۴۹ درصد اعلام شده بود) بی‌سابقه است. جنتی، دبیر شورای نگهبان، نسبت مشارکت را ۶۰ درصد اعلام کرد و افزود: «اگر بعضی کارکنین نبود بیش از ۶۰ درصد مردم مشارکت می‌کردند». «صدا و سیما» ی رژیم و روزنامه‌های وابسته به جناح غالب نیز همین رقم را تکرار کردند. اما وزارت کشور رژیم، متولی دیگر انتخابات، سه روز پس از پایان رأی گیری، میزان مشارکت را اندکی بیش از ۵۰ درصد، یعنی ۵۰/۵۷ درصد، اعلام داشت. اختلاف دو مرجع رسمی در این باره، ظاهراً، از اختلاف آمار واجدین شرایط شرکت در انتخابات ناشی می‌شود. شورای نگهبان، رقم اعلام شده از سوی «مرکز آمار ایران» و وزارت کشور را نمی‌پذیرد و، در این مورد نیز، محاسبات خاص خود را معمول می‌دارد. مرکز آمار، بر اساس نرخ رشد جمعیت جوان کشور، کاهش مجدد سن رأی در این انتخابات از ۱۶ به ۱۵ سال و ملاحظات دیگر، تعداد کل واجدین شرایط در اسفند ۸۲ را در حدود ۴۶/۵ میلیون نفر برآورد کرده است. اطلاعات رسمی «ستاد انتخابات کشور» (در وزارت کشور) نیز عده کل شرکت کنندگان در این انتخابات را حدود ۲۳/۷ میلیون نفر اعلام داشته است. رقم ۵۰/۵۷ درصد مشارکت نیز، ظاهراً، بر مبنای همین تعداد شرکت کننده محاسبه و اعلام شده است.

اما این رقم نیز نه تنها با مشاهدات بسیاری از مردم و یا گزارشگران خارجی از حوزه‌های اخذ رأی، تعارض دارد بلکه شواهد دیگری نیز حاکی از ساختگی و غیر واقعی بودن این نسبت است. در همان روزهای بعد از انتخابات، اخبار و شایعاتی در میان مردم پخش گردید (و بعضاً در سایتهای اینترنتی نیز بازتاب یافت) که حکایت از تشکیل جلسه محرمانه سران رژیم جهت تصمیم گیری در مورد انتخابات داشت. در این جلسه، پس از ملاحظه میزان مشارکت بسیار پائین مردم و بر مبنای «حکم حکومتی» خامنه‌ای تصمیم گرفته می‌شود که نسبت مشارکت بالای ۵۰ درصد اعلام شود. اگر چه

نخست ۲۹ نفر انتخاب شده‌اند. پس از دو روز بحث و جدل، سرانجام وزارت کشور کشور در ۷ اسفند، فهرست ۲۵ نفره منتخبان تهران را، به همراه لیست ده نفر بعدی (که جهت انتخاب ۵ نماینده باقی مانده) به مرحله دوم می‌روند، با تعداد آرای هریک از آنها، منتشر کرد. لکن، همان طور که رئیس «هیأت نظارت» شورای نگهبان در حوزه تهران، در ۲۵ اسفند، اعلام داشت این «شورا» بر آنست که ۲۹ نماینده در مرحله اول تعیین شده‌اند.

در هر حال، نتایج منتشره از سوی وزارت کشور نشان می‌دهد که نماینده اول تهران، غلامعلی حداد عادل (نفر اول لیست «آبادگران اسلامی»، نماینده مجلس فعلی که دخترش را به عقد ازدواج یکی از پسران خامنه‌ای درآورده، و علاوه بر ریاست «فرهنگستان» زبان فارسی، چندین پست و منصب دیگر هم دارد) فقط حدود ۸۸۸ هزار رأی، یعنی ۴۵ درصد کل آرای شمارش شده و حدود ۱۴ درصد کل واجدین شرایط این حوزه را کسب کرده است. تعداد آرای نفر بیست و پنجم، منوچهر متکی (عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان در هندوستان، سفیر اسبق رژیم در ترکیه و ژاپن، معاون وزارت خارجه در زمان ولایتی و معاون «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» وابسته به دستگاه رهبری) نیز حدود ۴۹۳ هزار رأی، معادل ۲۵ درصد کل آرا و حدود ۸ درصد کل دارندگان حق رأی، اعلام شده است. همه ۲۵ نفری که طبق گزارش وزارت کشور در این حوزه انتخاب شده‌اند (و همه ۲۹ نفری که ممکن است طبق نظر شورای نگهبان منتخبان مرحله اول اعلام شوند) متعلق به فهرست «اتلاف آبادگران ایران اسلامی» هستند.

از بین کاندیداهای وابسته به «جبهه دوم خرداد» در این حوزه، مهدی کروبی، به رغم آن که ظاهراً از جانب برخی جریان‌های جناح رقیب هم مورد حمایت قرار گرفته بود، با کسب فقط حدود ۳ درصد آرای کل حائزین شرایط، در ردیف سیویکم جای گرفت و بعداً نیز اعلام انصراف از «ادامه رقابتهای انتخاباتی» کرد. در انتخابات مجلس ششم، وی حدود ۸۹۰ هزار رأی را به نام خود ثبت کرده بود. در این انتخابات، کروبی نیز به همان سرنوشت رفسنجانی در انتخابات قبلی، روبرو گردید. از میان دیگر نامزدهای مربوط به «جبهه دوم خرداد»، طبق نتایج اعلام شده به وسیله وزارت کشور، تنها علیرضا محبوب، سهیلا جلودار زاده و مجید انصاری، به ترتیب، در ردیفهای ۳۱ و ۳۳ و ۳۴ باقی مانده‌اند. جمله کدیور، که در انتخابات دوره پیش با کسب حدود یک میلیون و ۳۷۷ هزار نماینده دوم تهران شده بود. با وجود اعلام استعفا از نمایندگی مجلس فعلی، در انتخابات مجلس هفتم نیز شرکت جست، لکن این بار جایی بهتر از ردیف سی و ششم و نتیجه‌ای بیشتر از ۱۱۷ هزار رأی به دست نیاورد و از «دور رقابت» خارج شد.

بر پایه گزارش وزارت کشور، تا کنون تکلیف ۲۲۵ کرسی مجلس هفتم مشخص شده و جهت تعیین ۶۴ نماینده باقی مانده (از مجموع ۲۸۹، بدون حوزه بم) نیز ۱۲۸ نامزد به مرحله دوم، که در اردیبهشت برگزار خواهد شد، راه یافته‌اند. اما هنوز شورای نگهبان کار خود را در مورد بررسی نتایج حوزه‌ها، یعنی انتخابهای پس از انتخابات، به پایان نرسانده و احتمال می‌رود که انتخابات بعضی از حوزه‌ها هم که مغایر میل آن «شورا» باشد با مهر «ابطال» روبرو شود.

قبلاً برنده انتخابات اعلام شده بود، تظاهرات و درگیریهای شدیدی در فریدونکنار، در اواسط اسفند، به وقوع پیوست که چند روز ادامه داشت. در این اعتراضات که خانه امام جمعه محل نیز مورد حمله قرار گرفت، تعدادی زخمی و عده زیادی از معترضان بازداشت شدند. در پی اعلام نتایج انتخابات، در اوایل اسفند، در حوزه‌های ایزه و فیروزآباد (فارس) نیز تظاهرات وسیع و حمله به اماکن دولتی و درگیریهایی رخ داد که، بنا بر پاره‌ای گزارشها، در هر دو مورد چند تن کشته شده و عده‌ای نیز مجروح گردیدند. این گونه ناآرامیها و اعتراضات که به دلیل تقلبات انتخاباتی و یا در ارتباط با رقابتهای قبیله‌ای و محله‌ای صورت می‌گیرد، منحصر به این دوره نبوده و از پدیده‌های رایج در بعضی نقاط کشور است. میزان بسیار بالای «مشارکت» در برخی حوزه‌ها هم در پیوند با همین پدیده قابل توضیح است. مطابق آمار دولتی، میزان «مشارکت» در انتخابات در حوزه سمیرم (استان اصفهان) ۹۹/۹ درصد و در استان کهگیلویه و بویراحمد ۹۹/۶ درصد واجدین شرایط بوده است! این امر (که طبعاً به بالا بردن آمار رسمی مشارکت در کل کشور هم یاری می‌رساند) در اساس ناشی از «کارآیی» فوق‌العاده مقامات و مأموران محلی در تقلب و پرکردن صندوقها به هر ترتیب، یا «لشکرکشی» عشیره‌ای و طایفه‌ای برای انتخاب نامزد متعلق به آن ایل و طایفه، و یا هردوی اینهاست. در نظام انتخاباتی حاکم، کارت یا سجل انتخاباتی که معرف اقامت و وابستگی رأی دهنده به حوزه انتخاباتی معینی باشد، وجود ندارد و بنابراین هر انتخاب کننده‌ای می‌تواند در هر حوزه‌ای رأی خود را به صندوق اندازد.

### انتخابات تهران

اطلاعی «ستاد انتخابات» در مورد حوزه تهران، حکایت از آن دارد که کل آرای شمارش شده در این حوزه حدود یک میلیون و ۹۷۲ هزار رأی بوده است. با در نظر گرفتن جمعیت دارندگان حق رأی در تهران، که طبق اعلام «مرکز آمار ایران» حدود ۶ میلیون و ۵۰ هزار نفر است، میزان مشارکت در این حوزه فقط حدود ۳۲ درصد بوده است. تعداد رأی دهندگان در انتخابات دوره قبلی حدود ۲/۹ میلیون نفر و نسبت مشارکت هم نزدیک به ۵۷ درصد اعلام شده بود. بدین ترتیب و بر مبنای آمار رسمی، سطح مشارکت در انتخابات این حوزه، در این فاصله، حدود ۲۵ درصد (و در صورت مقایسه تعداد مطلق رأی دهندگان، حدود ۳۴ درصد افت کرده است. اما بعضی برآوردهای غیر رسمی، نسبت مشارکت را زیر ۳۰ درصد نشان می‌دهد، یعنی که بیش از ۷۰ درصد انتخاب کنندگان تهرانی در پای صندوقهای رأی حاضر نشده‌اند.

چگونگی محاسبه و اعلام نتایج انتخابات تهران نیز، همانند نتیجه انتخابات در کل کشور، موضوع مجادله و کشمکش خاصی بین شورای نگهبان و وزارت کشور شده که هنوز هم به پایان نرسیده است. میزان آرای مأخوذه در این حوزه و تعداد نامزدهایی که در مرحله اول، با کسب حد نصاب لازم (۲۵ درصد آرا)، به مجلس راه می‌یابند، از موارد اصلی اختلاف بین این دو نهاد بود. وزارت کشور بر آن بود که ۲۵ یا ۲۷ نفر از کاندیداها آرای لازم برای ورود به مجلس را کسب کرده‌اند، در حالی که شورای نگهبان مدعی بود که در همان مرحله

می‌شوند، با انداختن رأس سفید یا باطله، نارضایتی خود را نشان می‌دهند. این مسئله اختصاص به انتخابات هفتمین دوره مجلس نیز نداشته، هرچند که در این دوره نیز مثل دفعات گذشته، وزارت کشور از اعلام کل آرای باطله سرباز زده است. نامعلوم ماندن میزان آرای باطله، به نوعی، اعتبار آرای ظاهراً معتبر را هم زیر علامت سؤال می‌گذارد.

در هر حال، در جاهایی که تعداد این قبیل آرا نیز به صورت رسمی اعلام گردیده، نسبت آنها به کل آرای مأخوذه، قابل توجه است و برخی از ناظران، میزان آرای سفید و باطله در سطح کشور را حدود ۱۵ درصد کل آرا برآورد می‌کنند. بر اساس آمار و ارقام «ستاد انتخابات» استان آذربایجان غربی، میزان آرای باطله غیرمأخوذه و نیز میزان آرای باطله مأخوذه نسبت به کل آرای شمارش شده در حوزه‌های انتخابیه این استان، به ترتیب، ۶ درصد و ۳۶/۷ درصد بوده است. در حوزه انتخابیه سمنجان، طبق آمار وزارت کشور نسبت آرای باطله به کل آرا ۲۵/۶ درصد، در اصفهان بیش از ۱۵ درصد، در مشهد بیش از ۱۲ درصد و در شیراز حدود ۱۱ درصد بوده است. در قم نسبت آرای باطله، به گزارش وزارت کشور حدود ۱۰ درصد بوده، در حالی که ناظران محلی آن را ۲۰ درصد برآورد کرده‌اند. در حوزه تهران (شامل تهران، شهر ری، شمیرانات و اسلامشهر) که گفته می‌شود حدود نیم میلیون رأی باطله بوده، آمار رسمی وزارت کشور آن را حدود ۱۸۸ هزار رأی (نزدیک به ۱۰ درصد کل آرای شمارش شده) اعلام داشته است.

### تقلبات

علی اکبر محتشمی‌پور، رئیس ستاد انتخاباتی «اتلاف برای ایران» (متشکل از برخی جریان‌های «جبهه دوم خرداد» که زیر این عنوان در انتخابات مجلس هفتم شرکت بسته بودند) در نامه‌ای به جنتی از وقوع تخلفات و تقلبات مختلف در حوزه‌های انتخاباتی خبر داده و خواستار بازشماری آرای ۵۷ صندوق در تهران شد. در این نامه به مواردی از تخلف از مقررات قانونی، مانند توزیع گسترده اقلام تبلیغاتی از طرف «اتلاف آبادگران ایران اسلامی» (معروف به «لیست رهبری») در داخل بسیاری از حوزه‌های رأی‌گیری، پرداخت مبالغی هنگفت به مدارس و هیأت‌های مذهبی و مساجد توسط شهرداری تهران، مداخله ائمه جمعه و برخی نهادها در امر انتخابات به نفع «لیست» مذکور، پرداخت سرانه ۲۵۰ هزار ریال «بن کالا» به فرهنگیان، ... و همچنین قرائت نشدن بخشی از آرای نامزدهای مورد حمایت «اتلاف برای ایران»، قید شده است.

اخبار و گزارشهای دیگری نیز از تقلبات و تخلفات انتخاباتی در برخی از حوزه‌ها، خصوصاً در این دوره که شورای نگهبان و ناظران و مأموران آن همه جریان انتخابات را از ابتدا تا انتهای آن در چنگ خود گرفته‌اند، انتشار یافت. به طوری که رضا زواره‌ای، قائم مقام دبیر شورای نگهبان، نیز، ظاهراً به منظور تهدید به افشاکاری متقابل، از مسئله «خرید و فروش آرا» در بعضی از جاها سخن به میان آورد.

در حوزه بایلسر، پس از باطل کردن چند صندوق رأی به وسیله شورای نگهبان و اعلام انتخابات نامزد وابسته به دار و دسته خامنه‌ای، به جای کسی که